

انتساب بزه نقض علامت تجاری به اشخاص حقوقی در رویه قضائی

مسلم واحدی*

چکیده

در این پرونده به اتهام نقض علامت تجاری، برخی از ایراد شکلی در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی وجود دارد از طرفی دادگاه محترم بدوی در نتیجه بررسی و ارزیابی دلایل مبادرت به صدور رأی برائت نماینده شخص حقوقی نموده و از طرفی دیگر حکم به محکومیت شخص حقوقی به جزای نقدی صادره کرده است این در حالی است که به موجب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی در نظام حقوق کیفری ایران به عنوان یک قاعده عام تحمیل مسئولیت کیفری بر اشخاص حقوقی تنها زمانی امکان پذیر است که نماینده قانونی وی مرتکب جرم شود و مسئول شناخته شود (مسئولیت کیفری عاریه‌ای) از این رو دادنامه صادره که منجر به محکومیت شخص حقوقی شده بدون مسئول شناخته شدن شخص حقیقی، داری اشکال جدی و اساسی است.

واژگان کلیدی: اشخاص حقوقی، علامت تجاری، نماینده، رویه قضائی

* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. وکیل دادگستری

مقدمه

چه کسی مبادرت به ثبت علامت تجاری جهت معرفی محصولات خود می‌نمایند و بنا بر قدمت، کیفیت و گستردگی تبلیغات کالای خود را از شرکت‌های دیگر متمایز می‌نمایند و بدیهی است با مشهور شدن هر محصول زمینه‌های سوءاستفاده از آن نیز بالا می‌رود از این رو در زمینه علامت تجاری با رونق گرفتن بازرگانی و سوءاستفاده‌ای فراوان از نام‌ها و تقلید نامشروع از آن‌ها، حمایت از علامت تجاری ضرورت پیدا نمود و برای نخستین بار جعل و تقلب در علامت تجاری در قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ و آیین‌نامه اجرای مصوبه سال ۱۳۳۷ جرم شناخته شد و در حال حاضر اصلی‌ترین مقررات مربوطه به حوزه مالکیت‌های صنعتی و علائم تجاری به شمار می‌رود لذا بدواً ضروری است مواد قانونی مرتبط با بزه نقض علامت تجاری بیان گردد، از این رو ماده ۴۰ قانون مذکور ارکان مادی تشکیل‌دهنده بزه مذکور را بیان می‌نماید: "مالک علامت ثبت شده می‌تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد در دادگاه اقامه دعوی نماید این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می‌شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یا خدمات مشابه موجب گمراهی عمومی است" همچنین ماده ۶۱ آن قانون نیز در راستای تعیین مجازات چنین بیان می‌دارد: «هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد (۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل قانونی تلقی شود مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آن‌ها محکوم می‌شود» فلذا جهت تحقق ارکان مادی بزه نقض علامت تجاری، ابتدائاً باید علامت تجاری شاکی جعل گردد و بدین واسطه موجب اشتباه مصرف‌کنندگان نسبت محصول شود از طرفی دیگر از حیث نتیجه چنین اقداماتی از سوی متهم باید گمراهی مصرف‌کنندگان را به دنبال داشته باشد.

از حیث رفتار ارتكابی از سوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی نیز باتوجه به تولید محصولات از سوی شرکت‌ها، معمولاً جرم منتسب به شخص حقوقی است چراکه

بیشتر موارد بنگاه‌های اقتصادی که در حوزه‌های خاصی (غذایی، لوازم‌خانگی، خودرو و ...) در حال رقابت هستند مرتکب این جرائم نسبت به هم می‌شوند حال سؤال اساسی آن است که چه شخصی مرتکب جرم شده است آیا شخص حقوقی مسئولیت کیفری دارد یا این که این مسئولیت بر نماینده آن تحمیل می‌شود و یا این که هر دو شخص در قبال نقض علامت تجاری مسئولیت دارند و در صورتی که هر دو مسئول هستند مبنای مسئولیت آنان چیست و بر چه اساسی مسئولیت تقسیم می‌شود که با بررسی رأی مورد نقد به این سؤالات نیز پاسخ داده خواهد شد. بنابراین پس از شرح وقایع پرونده، دادنامه صادره از حیث شکلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس مسائل ماهوی و نتیجه‌گیری بیان می‌گردد.

وقایع پرونده

شرکت شاکای علامت تجاری ... را در طبقات ۲۹ و ۳۵ به ثبت رسانده و با ادعای این که شرکت متهم از علامت ثبت شده آن‌ها استفاده کرده و در طرح و لفاف محصولات خود آن را شبیه‌سازی نموده به نحوی که موجب گمراهی مشتریان در شناخت منشأ تولید کالا شده مبادرت به طرح شکایت نموده که دادیار دادسرای ناحیه ... تهران جهت کشف حقیقت نیابتی به حوزه قضائی محل کارخانه صادر نموده است و محتوای نیابت قضائی در بردارنده تعیین کارشناسی رسمی جهت صحت و سقم قضیه و بازدید از خط تولید کارخانه در معیت وکلای طرفین و در صورتی که تقلب صورت گرفته باشد تفهیم اتهام به مدیر عامل و اخذ تأمین متناسب و اخذ آخرین دفاع از وی می‌باشد از این رو پس از طی مراحل مذکور و اخذ نظر کارشناسی رسمی دادگستری و انجام نیابت قضائی در محل کارخانه و همچنین تفهیم اتهام به مدیر عامل شرکت در مرجع مجری نیابت، دادیار دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ... تهران مبادرت به صدور جلب به دادرسی نموده است و کیفرخواست به دادگاه کیفری ارسال شده که در ادامه به شعبه ... دادگاه کیفری دو تهران ارجاع گردیده است و دادگاه مذکور نیز پس از تشکیل جلسه دادرسی ضمن مبادرت به صدور حکم براءت مدیر عامل و حکم به استرداد اصل کالا به متهم، شخص حقوقی را به جزای نقدی یکصد میلیون ریال و معدوم نمودن علامت تجاری مورد استفاده متهم محکوم نموده است.

مشخصات رأی بدوی

شماره پرونده: ۹۷۰۹۹۸۲۱۲۰۸۰۰۱۸۵

شماره دادنامه: ۹۸۰۹۹۷۲۱۹۱۸۰۰۷۰۸

تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۶/۲۳

موضوع شکایت: نقض حقوق ناشی از ثبت علامت تجاری

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۴۳ دادگاه کیفری دو تهران

متن رأی بدوی

در خصوص اتهام شرکت ... به عنوان شخص حقوقی مبنی بر نقض حقوق مالک علامت تجاری ... دادگاه با توجه به شکایت شاکی خصوصی و گواهی ثبت رسمی به شماره ... و گزارش مرجع انتظامی و نظریه کارشناس رسمی دادگستری و صورت جلسه مورخ ... و سایر قرائن و امارات موجود بزه انتسابی را محرز و مسلم دانسته و مستندا به ماده ۲۰ و ۲۱ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۰۲/۱ و ماده ۶۱ ناظر به ماده ۴۰ قانون ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ نامبرده را به پرداخت یکصد میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌نماید در راستای ماده ۲۱۵ از قانون مجازات اسلامی علامت تجاری مورد استفاده متهم پس از قطعیت رأی معدوم و اصل کالاها به شرکت مسترد شود اما واخواهی ... از دادنامه ... از این شعبه وارد است زیرا صرف نظر از این که علیه مشارالیه کیفرخواست صادر شده ولی جلب به دادرسی علیه شرکت ... صادر گردیده و مغایرت بین قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست وجود دارد چون ادله کافی علیه وی وجود نداشته و به استناد مواد ۴ و ۴۰۶ و ۴۰۷ از قانون آیین دادرسی کیفری با نقض دادنامه واخواسته رأی بر برائت وی صادر و اعلام می‌نماید رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

۱. طرح مسائل شکلی

در این قسمت به صورت موردی ایرادات شکلی دادنامه از دیدگاه قوانین جاری و رویه قضائی شامل: انتشار دادنامه پیش از امضاء، مختصر بودن گردشکار در رأی صادره و لزوم احضار نماینده شخص حقوقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۱. انتشار دادنامه پیش از امضاء

دادنامه صادره به رغم انتشار و ابلاغ فاقد امضا است؛ این در حالی است که آرای صادر شده از سوی مراجع قضائی از آنجاکه به موجب ماده ۱۲۸۷ قانونی یک سند رسمی محسوب می‌شود می‌بایست داری امضا باشد بنابراین دادنامه زمانی اعتبار دارد که از سوی قاضی صادرکننده امضا شده باشد این موضوع از این جهت حائز

اهمیت است که به موجب ماده ۳۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری پیش از امضای دادنامه، اعلام مفاد و تسلیم رونوشت یا تصویر آن ممنوع است و متخلف از این امر حسب مورد به موجب حکم دادگاه انتظامی قضات یا هیئت رسیدگی به تخلفات اداری به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شود همچنین به نظر می‌رسد تخلف از این موضوع با عنایت به قسمت اخیر ماده و توجه عبارت به «دادگاه انتظامی قضات» و «هیئت تخلفات اداری» می‌تواند علاوه بر قاضی شعبه شامل اعضای اداری شعبه نیز باشد.

گفتنی است ممکن است دادنامه ضم پرونده داری امضا باشد و این امکان در زمان ابلاغ دادنامه فراهم نبوده که قاضی محترم رسیدگی کننده امضای الکترونیکی خود را در رأی منعکس نماید لذا نقد این قسمت از دادنامه نافی امضا رأی منضم پرونده نیست ولی با وجود این مطلب نیز به نظر می‌رسد که در هر صورت ابلاغ دادنامه به صورت الکترونیکی به حساب کاربری طرفین می‌بایست دارای امضاء مقام رسیدگی کننده باشد.

۱.۲. مختصر بودن گردشکار در رأی صادره

گردش کار کاملی در دادنامه منعکس نیست و شرح حال ماوقع برای آگاهی خوانندگان از موضوع و محتوای پرونده هرچند به اختصار بیان نشده است این در حالی است که بند ت ماده ۳۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری در چهارمین بخش از اجزای دادنامه درج گردش کار و متن کامل رأی را در متن دادنامه الزامی دانسته است از این رو به نظر می‌رسد بیان صرفاً جریان پرونده پس از شروع به تعقیب مدنظر قانونگذار نبوده و معنای عام‌تری از عبارت گردش کار که شامل ماوقع له به اقامه شکایت یا شروع به تعقیب و گردش به کار به معنی اخص آن باشد را مدنظر داشته لذا دادنامه بایستی آینه تمام نمایی از پرونده در برابر مخاطبان آن باشد.

۱.۳. لزوم احضار نماینده شخص حقوقی

به موجب ماده ۶۸۸^۱ از قانون آیین دادرسی کیفری در صورتی که اتهام متوجه

۱. هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد علاوه بر احضار شخص

شخص حقوقی باشد باید به شخص حقوقی اخطار شود تا نماینده یا وکیل خود را معرفی نماید و وفق ماده ۶۸۹^۱ اتهام برای نماینده یا وکیل معرفی شده تبیین شود اما متأسفانه با وجود این که شخص حقوقی محکوم شده است اما نماینده وی برای تبیین اتهام چه در مرحله تحقیقات مقدماتی و چه در مرحله دادرسی احضار نشده و هیچ گونه اخطاری در این خصوص صادر و ابلاغ نشده است و در دادنامه هیچ گونه اظهاراتی از ایشان منعکس نیست (احضار مدیر عامل شرکت چون به عنوان شخص حقیقی اتهام متوجه وی بوده است به موجب تبصره ماده ۶۸۸^۲ از قانون اخیرالذکر نمی تواند نمایندگی را جهت تبیین اتهام برعهده داشته باشد) همچنین در این راستا بخش نامه نحوه احضار اشخاص حقوقی به شماره ۹۰۰۰/۷۷۵۲۹/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۶ از ریاست محترم قوه قضائیه صادره شده است^۳ از این رو تشریفات آیین دادرسی در خصوص شرکت متهم رعایت نشده است و محکومیت بدون توجه و رعایت تشریفات شکلی و ضوابط مقرر قانونی مبنی بر نحوه احضار صادر شده است.

حقیقی که اتهام متوجه او باشد با رعایت مقررات مربوطه به احضار، به شخص حقوقی اخطار می شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع از رسیدگی نیست.

۱. پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای وی تبیین می شود حضور نماینده شخص حقوقی تنها جهت انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی است و هیچ یک از الزامات و محدودیت های مقرر در قانون برای متهم در مورد وی اعمال نمی شود.

۲. تبصره: فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است نمی تواند نمایندگی آن را عهده دار شود.

۳. نظر به اینکه در پاره ای از پرونده های مطروحه مرتبط با اشخاص حقوقی به ویژه مراکز اقتصادی و تولیدی نظیر پرونده های مربوط به حوادث حین انجام کار، احضار مدیرعامل ممکن است در روند تولید و فعالیت اقتصادی بنگاه مربوط اثرات منفی داشته باشد لذا با عنایت به تأکیدات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» مبنی بر ضرورت حمایت از رونق تولید و تقویت اقتصاد کشور، به دادسراها و محاکم دادگستری ابلاغ می گردد: با عنایت به مفاد مواد ۶۸۸ و ۶۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی در مورد پرونده های مرتبط با اشخاص حقوقی لازم است به جای احضار مدیرعامل با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار شود تا نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید و با حضور نماینده شخص حقوقی تحقیقات مقدماتی برابر ضوابط صورت پذیرد و در ادامه چنانچه اتهام متوجه مدیرعامل باشد به گونه ای که اقدامات قضائی موجب اخلال در روند تولید و اشتغال نگردد، رسیدگی قضائی انجام شود.

۲. مسائل ماهوی

در پیرامون مسائل ماهوی انطباق رأی صادره با قانون مجازات اسلامی از حیث چگونگی انتساب جرم به شخص حقوقی و همچنین چگونگی اعمال مجازات و از طرفی دیگر به تحولات قانون‌گذار در این زمینه پرداخته می‌شود.

۲.۱. محکومیت شخص حقیقی لازمه انتساب جرم به شخص حقوقی

تحلیل مجازات بر اشخاص حقوقی دارای سازوکار متفاوتی از اشخاص حقیقی است و قانونگذار تا قبل از سال ۱۳۸۸ در پاره‌ای از قوانین مسئولیتی شبه کیفری و در سال ۱۳۸۸ در قانون جرائم رایانه به صراحت در آن حوزه از جرائم قائل بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شد و نهایتاً آخرین اراده قانون‌گذار در باب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی جهت انتساب جرم به این اشخاص ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌باشد که به‌عنوان قاعده عمومی قابل تسری به کلیه جرائم است براساس این ماده تنها در صورتی بر شخص حقوقی مسئولیت کیفری قابل تحمیل است که نماینده قانونی وی در راستای منافع و یا به نام وی مرتکب جرم شود بنابراین در نظام حقوق کیفری ایران قانونگذار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مبتنی بر مسئولیت نیابتی^۱ دانسته است برخی در تعریف این مسئولیت بیان داشته‌اند: انتساب عناصر مادی و روانی جرم به شخص حقوقی عاریه‌ای است یعنی شخص حقوقی عناصر دوگانه مذکور را از اعضا و کارکنان خود قرض می‌گردد (شریفی، ۱۳۹۲: ۱۱)، بنابراین تا زمانی که شخص حقیقی یعنی مغز متفکر جرم مسئول کیفری شناخته نشود رجوع به شخص حقوقی فاقد هرگونه جایگاه قانونی است پیروان پذیرش این مسئولیت چنین بیان داشته‌اند: اشخاص حقوقی وجود عینی و ملموس ندارند تا بتوانند به این اعتبار رکن مادی جرم را مرتکب شوند و رکن معنوی جرم را دارا باشند (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۱۴۷) عده‌ای دیگر این‌گونه مقرر داشته‌اند: این اشخاص نه اندامی دارند تا قادر به انجام رفتار مجرمانه شوند (اهلیت مادی) و نه علم و اراده‌ای دارند تا مقصر تلقی شود (اهلیت معنوی) (استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنار، ۱۳۸۳: ۴۰۳) همچنین برخی اشعار داشته‌اند: شخص حقوقی زمانی دارای مسئولیت کیفری است که بزه

1. Vicarious Liability.

انتسابی از سوی نمایندگان صلاحیتدار وی انجام شده باشد (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۸۹) حال در رأی صادره دادگاه بدون توجه به مبانی بیان شده شخص حقیقی (مدیر عامل) تبرئه نموده اما شخص حقوقی را محکوم نموده است و جالب تر آنکه به ماده ۱۴۳ نیز استناد نموده است که نهایتاً از ظرفیت موجود در مواد ۲۰، ۲۱ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جهت محکومیت شرکت متهم استفاده نموده که مستند دادنامه هم قرار گرفته است، اما چالش اصلی پرونده آنجاست که شرط اصلی رجوع به ماده ۲۰ و ۲۱ قانون اخیرالذکر آنجاست که نماینده شخص حقوقی مرتکب جرم گردد و مسئول شناخته شود چراکه در ماده ۲۰ قانونگذار مرقوم داشته: "در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده ۱۴۳ این قانون مسئول شناخته شود..." و مسئول شناخته شدن شخص حقوقی براساس ماده ۱۴۳ مستلزم ارتکاب جرم از سوی نماینده است بنابراین تا زمانی که نماینده قانونی از این اتهام برائت حاصل نمایند مجوزی برای اعمال مواد اخیرالذکر وجود ندارد. علاوه بر این مطلب دادگاه صادر کننده رأی در پرونده‌های مشابه که منجر به صدور رأی شده معتقد است وجود و حضور یک شخص حقیقی به عنوان مغز متفکر و هدایت‌گر عمل مجرمانه لازم و ضروری است که بتوان از این فرایند عنصر معنوی جرم را احراز کرد. (رأی شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۹۱۸۰۱۰۰۹ مورخ ۹۷/۱۱/۲۳) که اختلاف در رویه دادگاه که مرجع تخصصی رسیدگی به پرونده‌های نقض علامت تجاری است غیرقابل توجیه می‌باشد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که نماینده شخص حقوقی (مدیر عامل) می‌بایست از حیث عمومی و اختصاصی جرائم مسئول شناخته شود به گونه‌ای که توجیه و تحمیل مجازات به متهم از منظر حقوق کیفری آنگاه امکان‌پذیر است که شرایط و اوصاف خاصی برای او فراهم باشد این موضوع از یک جهت بدان معناست که برای ارتکاب جرم و تحقق مسئولیت کیفری صرف وقوع رفتار مادی کفایت نمی‌کند بلکه این حالت باید ناشی از حالت نفسانی متعارف آزاد و خودآگاه باشد به همین جهت انجام فیزیکی عمل مجرمانه به خودی خود دلیلی بر وجود و دارا بودن عنصر روانی نیست و برای احراز هر جرمی در قانون باید علاوه بر رکن مادی، رکن روانی آن پدیده مجرمانه هم احراز شود که برای احراز این رکن اساساً شرایط

ماده ۱۴۴^۱ به عنوان قاعده عمومی کلیه جرائم باید موجود باشد علاوه بر این جهت احراز بزه موضوع ماده ۶۱^۲ ناظر بر ماده ۴۰^۳ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری که مستند دادنامه مذکور قرار گرفته است مرتکب باید علم (علم به موضوع) و عمد مجرمانه (عمد در رفتار) داشته باشد علاوه بر این از آن جایی بزه فوق از دسته جرائم مقید است و باید منتهی به استفاده یا تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت شود (بند ب ماده ۴۰) قصد نتیجه یا علم به وقوع آن باید احراز شود.

۲.۲. ارتکاب جرم از سوی نماینده در راستای منافع یا به نام شخص حقوقی

همان‌طور که در بند گذشته مقرر گردید شرط لازم جهت رجوع به شخص حقوقی و تبیین ارتکاب جرم به آن‌ها از سوی نماینده قانونی شخص حقوقی است علاوه بر این باید احراز گردد که شخص حقیقی بزه را در راستای منافع شرکت یا به نام شرکت انجام داده است از این رو با توجه به متن قانون صرفاً به نام شرکت باشد یا در راستای منافع آن کفایت می‌نماید در این ارتباط برخی اظهار داشته‌اند: ارتکاب بزه ممکن است به نام شخص حقوقی صورت گیرد، بدون این‌که به منفعت یا مصلحت باشد و یا ممکن است بزه جهت منفعت شخص حقوقی باشد بدون آن‌که در عمل این منفعت باشد (شمس ناتری و سایرین، ۱۳۹۵: ۳۹۰) البته ممکن است گاهی اوقات نیز نماینده هم به نام و هم در راستای منافع شرکت انجام داده باشد حال در حوزه نقض علائم تجاری معمولاً نماینده شخص حقوقی این شرط را دارد؛ چرا که شرکت

۱. در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع براساس قانون منوط به نتیجه است قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

۲. هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد (۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل قانونی تلقی شود مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آنها محکوم می‌شود.

۳. مالک علامت ثبت شده می‌تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد در دادگاه اقامه دعوی نماید این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می‌شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یا خدمات مشابه موجب گمراهی عمومی است.

تولیدی که علائم شرکت دیگری را مورد جعل قرار داده معمولاً از اسم خود در لفاف یا تبلیغ خود استفاده می‌کند به‌عنوان مثال اگر یک شرکت مشهوری در حوزه صنایع غذایی علائم تجاری مورد استفاده خود را در بازار بنابر کیفیت، تبلیغات، گستردگی شبکه توزیع به یک برند تبدیل نموده باشد از طرف شرکت‌های رقیب مورد جعل قرار گیرد شرکت رقیب از اسم خود در لفاف استفاده می‌نماید، چرا که در صدد آن است که با برند مشهور مورد جعل اسم خود را نیز در بازار معرفی نماید بنابراین به نظر می‌رسد دادگاه در این خصوص با پیچیدگی خاصی مواجه نباشند و این موضوع به سهولت قابل احراز باشد، اما شایسته است مقام قضائی این مطلب را به صراحت در رأی بیان کند و دلایل و توجیهات خود در جهت این‌که نماینده در راستای منافع یا به نام شرکت این بزه را مرتکب شده است را مرقوم نماید با وجود این از آنجائی که دادنامه بدون توجه به قواعد ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی اصدار یافته و نماینده شخص حقوقی برائت حاصل نموده مجالی برای بیان این موضوع در دادنامه وجود نداشته است.

۲.۳. اعمال مجازات بر شخص حقوقی

پس از آنکه احراز گردید نماینده به نام یا در راستای منافع شرکت مرتکب بزه نقض علامت تجاری گردیده آنگاه می‌توان به ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی رجوع نموده و شخص حقوقی را به مجازات کیفری محکوم نمود اما سؤال آنجاست شخص حقوقی به چه مجازاتی محکوم می‌گردد؟ مجازات بزه نقض علامت تجاری برای شخص حقیقی (نماینده) جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آن‌ها می‌باشد با وجود این مطلب اگر شخص حقیقی مسئول شناخته شود و به جزای نقدی پنجاه میلیون ریال و یا حبس تا ۶ ماه محکوم گردید مجازات شخص حقوقی چیست؟ آیا مقام قضائی مختار است که یکی از مجازات‌های موضوع ماده ۲۰ را در این رابطه اعمال نمایند یا این‌که مقام قضائی در محدوده و چهارچوب خاصی نسبت به این موضوع اقدام می‌نماید. قانونگذار در ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: "میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود" هر چند این ماده ابهام‌برانگیز

است و در مورد جرائم که جزای نقدی ثابت دارد مشکلی ایجاد نمی‌کند اما نسبت به جرائم همانند نقض علامت تجاری که مجازات جزای نقدی دارای حداقل و حداکثر می‌باشد از جهتی چالش برانگیز است چرا که با توجه به منطوق ماده مراد قانونگذاری مشخص نیست و فرض‌های مختلفی بدین شکل قابل تصور است: دو برابر حداقل مجازات، چهار برابر حداقل مجازات، دو برابر حداکثر مجازات، چهار برابر حداکثر، به‌عنوان مثال در فرضی نخست در صورتی که نماینده شخص حقوقی به پنجاه میلیون ریال محکوم گردد شخص حقوقی به بیست میلیون ریال (دو برابر حداقل) محکوم می‌شود یا در فرض آخر در صورتی که نماینده به پنجاه میلیون ریال محکوم گردد شخص حقوقی به دویست میلیون ریال محکوم (چهار برابر حداکثر) خواهد شد لازم به ذکر است که محکومیت نماینده شخص حقوقی به حداقل و حداکثر جزای نقدی تأثیری در این مجازات شخص حقوقی به جزای نقدی ندارد بلکه مجازات قانونی ملاک تعیین مجازات بر شخص حقوقی است همچنین با وجود عدم تعیین ضابطه مشخص در خصوص جرائمی که دارای جزای نقدی حداقل و حداکثری در خصوص حبس نیز، اساساً ضابطه‌ای جهت اعمال مجازات بر اشخاص حقوقی وجود ندارد بدین منظور در صورتی که نماینده شخص حقوقی مرتکب بزه نقض علامت تجاری گردد و به حبس محکوم شود مجازات شخص حقوقی چیست و بر چه اساسی محکوم می‌گردد؟ که به نظر می‌رسد قانونگذار به‌رغم این که در خصوص جزای نقدی وفق ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی ضابطه‌ای تعیین نموده اما در این رابطه تعیین تکلیف نکرده است فلذا مقام قضائی می‌تواند با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن یکی از مجازات‌های موضوعه ماده ۲۰ مذکور را در مورد شخص حقوقی اعمال نماید.

۲.۴. صدور حکم به بیش از مجازات قانونی

همان‌طور که بیان شد عنصر قانونی تجاوز و نقض علائم تجاری مواد ۶۱^۱ ناظر بر

۱. هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد (۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل قانونی تلقی شود مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آنها محکوم می‌شود.

ماده ۴۰^۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری است که مستند دادنامه مورد نقد قرار گرفته است صرف‌نظر از ایرادات وارده بر عدم رعایت چگونگی انتساب بزه به شخص حقوقی مبنی بر لازمه محکومیت نماینده جهت رجوع به شخص حقوقی براساس ماده مذکور مجازات بزه مذکور جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال است. این در حالی است که دادگاه بدوی شخص حقوقی را به مبلغ صد میلیون ریال محکوم نموده است که فراتر از مجازات قانونی بزه است از طرف دیگر می‌توان چنین پنداشت باتوجه به این‌که دادگاه به مواد ۱۴۳ و ۲۱ قانون مجازات اسلامی استناد نموده براساس ظرفیت موجود در این مواد شخص شخص حقوقی را به دو برابر مجازات جزای نقدی محکوم نموده است امری که به نظر برخلاف ماده ۱۴۳ قانون اخیرالذکر است چرا که همان‌طور که بیان گردید شرط لازم جهت رجوع به شخص حقوقی محکومیت شخص حقیقی است و در صورت فقدان این امر و برائت نماینده رجوع به شخص حقوقی فاقد هرگونه جایگاه قانونی است از این‌رو مستندات قانونی و استنادی دادگاه همسو نیستند و دادگاه در اقدامی فرآ قانونی بیشتر از جزای نقدی مقرر قانونی حکم صادر نموده است.

نتیجه‌گیری

بنابراین با بررسی رأی صادره از جهت شکلی دادنامه ابلاغ شده فاقد امضاء مقام محترم قضائی و همچنین گردش کار مناسبی در دادنامه منعکس نشده است از طرفی دیگر احضار نماینده شخص حقوقی به غیر از نماینده‌ای که اتهام متوجه وی است یک تکلیف قانونی و این مهم رعایت نشده است از جهت ماهوی نیز در پرونده‌های نقض علامت تجاری عمدتاً در رویه قضائی نماینده مدیرعامل شرکت تلقی می‌شود مقام قضائی نیز ابتدائاً می‌بایست براساس مواد ۶۱ و ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی

۱. مالک علامت ثبت شده می‌تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد در دادگاه اقامه دعوی نماید این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می‌شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یا خدمات مشابه موجب گمراهی عمومی است.

ارکان مادی و معنوی جرم ارتكابی را از سوی نماینده احراز نمایند و در صورتی که مشارالیه مجرم و مسئول شناخته شد براساس ماده ۱۴۳ قانون مذکور به شخص حقوقی رجوع نمایند و براساس ماده ۲۰ و ۲۱ قانون اخیرالذکر مجازات را به شخص حقوقی اعمال نمایند با این وجود بدون آنکه شخص حقیقی مسئول شناخته شود شخص حقوقی به مجازات کیفری محکوم شده است که این امر بر خلاف قانون می‌باشد لذا پیشنهاد می‌گردد در مرحله دادسرا بدواً نماینده شخص حقوقی احضار گردد و در صورت توجه اتهام به نماینده ضمن تفهیم اتهام، تأمین مناسب کیفری اخذ گردد و در مرحله دادرسی نیز در صورتی که نماینده مسئول شناخته شد و شرایط ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی احراز گردید آنگاه می‌بایست مجازات بر شخص حقوقی تحمیل نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بلوک، برنار (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی. تهران: علامه طباطبایی.
- پور نوری، منصور (۱۳۸۳). حقوق مالکیت معنوی در دادگاه علامت تجاری و اختراعات. تهران: مهد حقوق.
- حبیب زاده، محمدجعفر، عیسائی تفرشی، محمد، فرجیها، محمد، شریفی، محسن (۱۳۹۲). دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران. مجله حقوقی دادگستری، (۸۲)، ۱۱۷-۱۵۹.
- حبیب زاده، محمدجعفر، عیسائی تفرشی، محمد، فرجیها، محمد، شریفی، محسن (۱۳۹۲). انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان. آموزه‌های حقوق کیفری، (۶) ۵۷-۸۸.
- شمس ناتری، محمدابراهیم و همکاران (۱۳۹۵). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی (جلد اول؛ حقوق جزای عمومی). تهران: میزان.
- عالی پور، حسن (۱۳۹۶). تقریرات درس سمینار، کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزای پردیس فارابی دانشگاه تهران. نیمسال سوم تحصیلی ۹۷-۱۳۹۵.
- عبداللهی، اسماعیل (۱۳۸۹). درس‌هایی از فلسفه کیفری: درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام حقوقی ایران و انگلستان. تهران: خرسندی. چاپ اول، (۱۳۸۹) ص ۱۴۷.
- موسوی مجاب، سید درید، رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴). دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی. پژوهش حقوق کیفری، (۱۳) ۱۶۹-۱۴۷.